

" مبانی نظری و عقیدتی بانکداری اسلامی "

متن مقاله آقای دکتر سیدعلی اصغر هدایتی عضو هیات علمی و پژوهشی

مرکز آموزش بانکداری

بسم الله الرحمن الرحيم

موجب نهایت افتخار است که در این نخستین سمینار بانکداری اسلامی که از سوی مرکز آموزش بانکداری و موسسه تحقیقات پولی و بانکی برگزار می شود سخنرانی بسیار کوتاهی هم برای این بنده منظور شده است •

البته وظیفه ای است بسیار دشوار و در عین حال دلپذیر که در این مجلس گرامی آن هم در محضر اساتید محترم و پس از بیانات عالمانه و فاضلانه صاحب نظران و عزیزانی که ما را مستفیض فرمودند، بنده بتوانم رشته کلام را به دست گیرم ولی به مصداق " مَا لَا يَدْرِكُ كَلَمَهُ لَا يَتَرَكُ كَلَمَهُ " سعی خواهم کرد که به قدرت استطاعت و بضاعت، چند کلمه ای در این فرصت بسیار محدود حضورتان عرضه دارم •

قبل از ورود به اصل موضوع، اجازه فرمائید تذکار چند نکته را ضروری دانم:

نکته مهمی را که در همان آغاز صحبت می خواستم حضورتان عرض کنم و در چند مورد ما بعنوان پیام سمینار مطرح کردیم، این نکته است که بانکداری اسلامی به معنی وسیع کلمه، در غالب موارد البته مسامحتاً " مترادف با بانکداری بدون ربا، بکار می رود حال آنکه بانکداری اسلامی به معنای وسیع کلمه از بانکداری بدون ربا به مراتب فراتر می رود • البته مجزّ د حذف ربا از نظام بانکداری ربوی و به اصطلاح " مرسوم " گام موثری است در فرآیند اسلامی کردن بانکها، لکن قدر متیقن این است که حذف ربا به تنهایی و فی حد ذاته، بعنوان پیاده کردن بانکداری اسلامی نمی تواند باشد •

نکته دیگر مربوط می شود به تاریخچه نظام بانکداری اسلامی که البته به مضمون — امروزینش از قدمت دیرینه ای برخوردار نیست ولی ماریشه ها و مبانی مطالعاتی این پدیده

ورشته جدید را، بدون تردید می‌باید در آثار متقدمان اسلامی جستجو کنیم که از آن جمله اند
ابو جعفر محمد بن جریر طبری (مورخ، مفسر و محدث معروف)، زمخشری صاحب کتاب
"الکشاف"، بیضاوی صاحب کتاب "انوار التنزیل"، ابن عربی فیلسوف، عارف و مفسر
معروف، امام فخر رازی صاحب کتاب "مفاتیح الغیب" معروف به "تفسیر کبیر"، ابن خلدون
نویسنده، مورخ و جامعه‌شناس مشهور و ابو حامد امام محمد غزالی فیلسوف و فقیه صاحب کتاب
"احیاء علوم دین"، معروف به "احیاء العلوم" که این کتاب بعنوان "کیمیای سعادت" با
قلم بسیار شیوای نویسنده آن به زبان فارسی ترجمه شده و در بخش چهارم آن در تعریف و نقش
پول، همانگونه که استاد گرانمایه جناب آقای دکتر توتونچیان فرمودند، تشبیه جالبی به کار
رفته است. تشبیه پول به آئینه که از خود رنگی ندارد، لکن همه رنگها را در خود منعکس می‌کند و
به تعبیر آقای دکتر انعکاس دهنده نور است. این تعبیر، بسیار تعبیر رسا و زیبایی است و از
همین جامطالعات اقتصاددانان اسلامی درباره پول و نقش آن نشات می‌گیرد و پایه گذاری
می‌شود. برای این اساس، آنچه را که ما امروز به عنوان اقتصاد اسلامی و بانکداری اسلامی تعبیر
می‌کنیم مورد بحث و بازنگری برخی صاحب نظران و متفکران معاصر قرار گرفته است. در این
رابطه، بدون تردید باید اشارتی داشته باشیم به استاد بزرگوار علامه فقید شهید سید محمد
باقر صدر و استاد متفکر شهید مرتضی مطهری و بعد هم چند تن از صاحب نظران که پاکستانی
هستند و در این زمینه مطالعاتی انجام داده‌اند. به عنوان مثال از پروفیسور خورشید احمد،
پروفیسور نقوی، ضیاء الدین احمد، محسن خان وزیر اقبال می‌توانیم نام ببریم و بر این فهرست
باید نویسندگان و صاحب نظران کشور خودمان دکتر عباس میرآخور، اساتید محترم دکتر
توتونچیان و دکتر صدر را بیفزائیم. آجَرَهُمُ عِنْدَ اللَّهِ مَشْكُورًا. نکته قابل ملاحظه دیگر این
است که اقتصاد و به تبع آن بانکداری اسلامی همانگونه که بعضی اساتید اشاره فرمودند، مقوله‌ای
است که در زمینه دانش دستوری مطرح می‌شود. البته ما اثرات متقابل بین "دانش اثباتی" و
"دانش دستوری" را در ارتباط با "اقتصاد به عنوان یک دانش" و "اقتصاد اسلامی" به عنوان
یک "سیستم"، انکار نمی‌کنیم ولی در عین حال اگر مثل برخی نویسندگان صرفاً "معتقد
باشیم به اینکه اقتصاد اسلامی یک علم محض است، فکر می‌کنم حقیقتاً "در زمینه مطالعات

مربوط به بانکداری و اقتصاد اسلامی دچار خطا شده ایم. باتوجه به این مقدمه، بنده اگر در این فرصت بسیار کوتاه بتوانم يك بحث کوتاه و جامع الاطراف در زمینه موضوع تعیین شده برای عنوان سخنرانی، "مبانی نظری و عقیدتی بانکداری اسلامی" حضورتان ارائه دهم، فکرم می‌کنم این بحث بتواند زمینه مساعدی باشد برای احیاناً "پاسخ به بسیاری از سوالات، ایرادات و شبهاتی که در این زمینه مطرح است و این به عقیده من يك ضرورت اجتناب ناپذیر است، چرا که در جریان عمل ما با موارد عده‌ای، مشکلات و مسائلی مواجه هستیم که وقتی دقیقاً "این مسائل را ریشه‌کاوی و ریشه‌یابی می‌کنیم می‌بینیم حقیقتاً" در اکثر موارد مسأله بیشتر جنبه شخصی، فردی و موردی دارد و در کلیتش مطرح نمی‌شود، به اصطلاح هر کسی از ظن خود مسائلی را مطرح می‌کند و به زعم خود پاسخ‌هایی را می‌دهد و لذا ما در اکثر این موارد با شبهات ربوی مواجه هستیم. امروز برخی بزرگوارانی که در این مجلس گرامی تشریف دارند راجع به "ربا" و تفاوت آن با "سود" اشاراتی داشتند ولی مسلماً "خیلی در این زمینه باید کار کرد."

حقیقت این است که ما از همان آغاز يك برخورد خیلی جدی و مسئولانه با مسأله‌ای بدین درجه از اهمیت نداشته ایم و حداقل این را می‌توانم حضورتان عرض کنم که ما مسأله ربا و سود را از بعد آکادمیک آن، از بعد علمیش، کمتر مورد بررسی قرار داده ایم. متأسفانه در حال حاضر نه تنها در سطح عامه مردم، بلکه در سطح بعضی مسئولان و به اصطلاح کارگردانان بانک‌ها نیز می‌بینیم که سوالات، شبهات، سوء تفاهم‌های در زمینه مورد بحث مطرح است. چرا اینطور است؟ چرا اهمیت نمی‌دهیم به مسأله‌ای که اینقدر مهم است و نمی‌توان در مورد آن به تسامح و ساده‌اندیشی برگزار کرد؟ آن هم مسأله‌ای که لزوماً "و علی الاصول مبتنی بر ارزشهای اسلامی است، ارزشهایی در رابطه با ایدئولوژی خاص و کامل مکتب اقتصاد اسلامی، آن ایدئولوژی که در ارتباط با جهان بینی و به عبارت راسخ‌تر در ارتباط با جهان‌شناسی خاص اسلامی است، جهان‌شناسی خاصی که بینشهای اسلامی را تعیین می‌کند، بینشهایی که پایه‌گذاری می‌کند ارزشهای اسلامی را و ارزشهای اسلامی که نهایتاً "ساختار کلی اقتصاد اسلامی را شکل می‌دهد. از لحاظ عقیدتی، این مسأله فوق‌العاده مهمی است و بنا بر این بانکداری اسلامی نمی‌تواند مطرح شود، مادام که این مبانی و مبادی مورد توجه و امعان نظر قرار نگیرد، امعان نظر بر پایه‌های عقیدتی

حذف ربا، حذف ربا به معنای واقعی کلمه، والا اگر خدای نکرده قرار باشد که ما بار از در بیرون رانیم و بالباس مبدل از پنجره برگردیم حقیقتاً "فکر می‌کنم که رسالت‌مان را در حد کمال انجام نداده ایم بنابراین با توجه به فرصت بسیار محدود و فشرده برای این سخنرانی، سؤال اساسی خود را این‌طور طرح می‌کنم که آیا ما از همان نقطه شروع شناخت کاملی از بهره و سود داشته ایم؟ آیا به يك تعريف جامع آكادميك از بهره و سود رسیده ایم؟ آیا در جریان عمل در صد در صد رفع شبهات ربایی برآمده ایم؟ پاسخ این سوالات متأسفانه رضایت بخش نیست، بنده فکر می‌کنم صراحت و تأکید کتاب آسمانی ما بکلام الله مجید، جای هیچ گونه تردید در تحریم و منع ربا برای یــــك مسلمان واقعی باقی نمی‌گذارد، خط قرآن بسیار صریح و روشن است "واحل الله البیع وحرم الربا" این کلام متقن الهی نیاز به هیچ گونه تفسیر و تعبیر ندارد، نه از جنبه عقیدتی و نه از جنبه نظری. جنبه عقیدتی چون حکم خداست و از جنبه نظری به دلایل متعدد اقتصادی که در نقد و نظریات مربوط به بهره اقامه می‌شود. دلایلی که طرح آنها در محضر اساتید و سروران گرامی شاید مورد دنداشته باشد، ولی اگر احیاناً "فرمت کافی باشد و نمودار به عنوان ادامه سخنرانی حضورتان ارائه می‌دهم."

این دو نمودار در بیان وجوه تمایز بین نظام بانکداری اسلامی و نظام بانکداری ربوی و به اصطلاح "مرسوم" ترسیم شده است که جناب دکتر مهدوی در بُعد کار بردی آن مطالبی را مطرح فرمودند. من تأکید بیشتر بر جنبه های عقیدتی آن است بطوریکه ملاحظه می‌فرمائید ساختار نظام ربوی علی الاصول مبتنی بر نرخ بهره یا نرخهای بهره ثابت و از قبل تعیین شده است، مفهوم آن این است که در نظام بانکداری ربوی، بهره اساساً "جز ولا ینفک نظام بانکداری است یعنی با حذف بهره، نظام بانکداری ربوی دیگر وجود خارجی نخواهد داشت و شالوده آن کلاً" فرومی‌ریزد. و اما از لحاظ سایر ویژگیها بطوریکه ملاحظه می‌فرمائید در تراز ساده يك بانك ربوی، چه در ستون بدهیها، چه در ستون دارائیهها، کل اقلام تشکیل دهنده تراز مبتنی است بر "رابطه داین و مدیون"، که ما از دانش تعبیر می‌کنیم به کسی که در اشکال مختلف بدهکار را تحت انقیاد و اسارت خود درمی‌آورد حال آنکه در تراز ساده يك بانك اسلامی، چه در ستون بدهیها و چه در ستون دارائیهها، "رابطه وکیل- موکل" مصداق دارد، که جناب آقای دکتر عادل هم در

جلسه صبح بر این معنا تاکید داشتند. جناب آقای دکتر توتونچیان نیز از آن بعنوان "بانکدار شريك" یاد کردند که تعبیری است بسیار جالب و بدیع. متأسفانه به علت ضیق وقت فرصت نیست در این زمینه بحث مفصل تری حضورتان ارائه شود. نیاز به تذکار نیست مفهوم رابطه داین و مدیون قبل از هر چیز، الزام و تکلیف مشتری را به پرداخت اصل و بهره متعلقه آن که از پیش تعیین گردیده است متبادر به ذهن می نماید. و "تعیین" و "تکلیف" از باب تفعیل که انقیاد و به اسارت درآوردن "مدیون" از مختصات آن است. درست نقطه مقابل بانکداری اسلامی که ساختار آن اساساً مبتنی بر مشارکت در سود و زیان است و اگر زیان را من در "پرانتر" گذاشتم همان طور که آقای دکتر مهدوی اشاره کردند، اگر يك بانکداری اسلامی به روال صحیحی کار کند اساساً "ارزش افزوده منفی" نباید داشته باشد، و لذا کل نظام مبتنی بر سود است، مبتنی بر مشارکت است.

از این دو نموداری که حضورتان ارائه دادیم این نتیجه را می خواهم بگیرم که قدم اول برای پیشرفت و تعالی بانکداری اسلامی شناخت کاملی است از مفاهیم با و سود. گام بعدی که در واقع آن همه به عنوان یکی از مهمترین قدمهایی است که برای پیشرفت بانکداری اسلامی در کشور ما باید برداشته شود، فراهم آوردن زمینه پیشرفت و تکامل آن است. تردید نمی توان داشت که فرآیند اسلامی کردن اقتصاد بانکداری ربوی و به اصطلاح "مرسوم" که حذف را بالا زم و ملزوم آن است، باید همراه باشد با نو سازی، تغییر و تحول در ساخت فکری، انطباق کامل رفتار اقتصادی با معتقدات اخلاقی بعنوان سرچشمه تغذیه روحی این نظام، از بین بردن روشها و عادات ناهنجار اقتصادی و اجتماعی به عبارت دیگر، استقرار حاکمیت نظام بانکداری اسلامی تنها به حذف عملیات ربوی از نظام بانکداری به اصطلاح مرسوم خاتمه نمی پذیرد، مهمتر از آن تغییر و دگرگونی خلیات مسئولان، متصدیان و گردانندگان بانکها و بطور خلاصه، انطباق اعمال و رفتار آنان با اخلاقیات اسلامی است که می تواند ضمانت اجرایی عملیات بانکی را بر موازین اسلامی بیش از پیش فراهم آورد و الا چگونه می توان انتظار داشت، که نظام بانکداری جدید از سرچشمه فیاض و تابناک اندیشه های اصیل اسلامی بارور باشد، مادام که رسوب عادات و آداب

ناهنجار گذشته هنوز هم در بعضی اذهان و افکار مشاهده گردد.

نکته بسیار قابل ملاحظه دیگر این است که بانکداری اسلامی نیز همانند هر پدیده اجتماعی دیگر در خلا، تحقق نمی پذیرد، پیشرفت و تکامل بانکداری اسلامی بی تردید مستلزم همکاری، همگامی و همیاری تمامی سازمانها و موسساتی است که بنحوی از انحاء در ارتباط با نظام بانکی کشور قرار دارند. تجربه کوتاه ما، از این نقطه نظر نیز، چندان رضایت بخش نیست. سازمانها و موسساتی که مسئولیت و رسالت آنها در خدمت به اجتماع خلاصه می شود، جزایر پراکنده ای نیستند که در یک اقیانوس موج و سرگردان قرار داشته باشند. همه متعلق به یک کشورند، همه به یک نظام تعلق دارند، همه باید زمینه ساز پیشرفتهای یکدیگر و مالا "پیشرفت و تعالی جامعه متحول و اسلامی ما باشند و در این رهگذر، مسلماً "شایسته ترین آنها خدمتگزارترین آنهاست.

بحث مربوط به مبانی عقیدتی و نظری بانکداری اسلامی را نمی توان بدون اشارتی کوتاه و گذر ابرقانون عملیات بانکی بدون ربا به پایان برد البته بعنوان بیان یک واقعیت که آقای دکتر توتونچیان بدان اشاره فرمودند و نه مطلقاً "بعنوان یک خودستایی و بزرگ نمایی. قدر مسلم این است که قانون موجود از نظر جامعیت و غنای محتوا در واقع تبلوری است از خطوط اساسی که در یک نظام بانکداری اسلامی می باید منظور و ملحوظ شود و حتی اگر مبالغه آمیز نباشد باید حضورتان عرض کنم که بعنوان یک الگویی تواند مورد اقتباس و مورد استفاده برخی کشورهای اسلامی دیگر که به فکری پیاپی در گذار از نظام بانکداری اسلامی در کشورشان هستند قرار گیرد. باز برای مزید اطلاعتان باید عرض کنم که حدود دو سال قبل قرار بود هیأتی از پاکستان به ایران اعزام گردد و هدف این بود که در تهیه و تدوین یک قانون بانکداری اسلامی برای پاکستان اقدام شود چون اطلاع دارید که در پاکستان قانون بانکداری اسلامی وجود ندارد، نظام جدید بانکی بر اساس بخشنامه های بانک مرکزی پیاده شده است و هنوز هم مصوبات و دستورالعملها و بخشنامه های بانک مرکزی است که در بانکهای پاکستان لازم الاجرا است، و لذا این قانون بعنوان یک الگو می تواند در آن زمان مورد استفاده قرار گیرد و در عین حال که این قانون به عنوان یک "وحی منزل" نیست و نمی توانیم بگوئیم از هر گونه نقص مبرا است، نقایصی دارد، نارسائیهایی دارد که

نمودار شماره (۱۱)

تراز ساده

یك بيلك ربوي

بدهي	دارائي
منابع : سرمایه	معارف : تسهيلات اعتباري وامها اعتبارات سایر
سیردههای دریافتی : الف - جاری ب - پس انداز ج - مدت دار	

كل نظام مبتني بر بهره بانرخ با نرخهای ثابت و از قبیل

تعیین شده

از لحاظ حقوقی ، مبتنی بر رابطه
دائن - مدیون بدین مفهوم که بانک
مكلف به بازپرداخت اصل سپرده
و بهره متعلقه به انست .

از لحاظ حقوقی ، مبتنی بر رابطه
دائن - مدیون بدین مفهوم که
مشتری مكلف به بازپرداخت اصل
تسهيلات اعتباری دریافتی و بهره
متعلقه به انست .

نمودار شماره (۲)

تراز ساده

بک بانک اسلامی

بدهی	دارائی
منابع: سرمایه سیردههای دریافتی: جاری پس انداز کوتاه مدت بلند مدت سرمایه گذاری	معارف: تسهیلات اعطائی: قرض الحسنه اعطائی: مضاربه مشارکت سرمایه گذاری مستقیم فروش اقساطی اجاره به شرط تملیک سلف جماعه مراعه مسافات خرید دین

از لحاظ حقوقی: مبتنی بر رابطه
دائن - مدیون ، بانک مکلف بپسه
استرداد اصل سیردههای دریافتی
است .

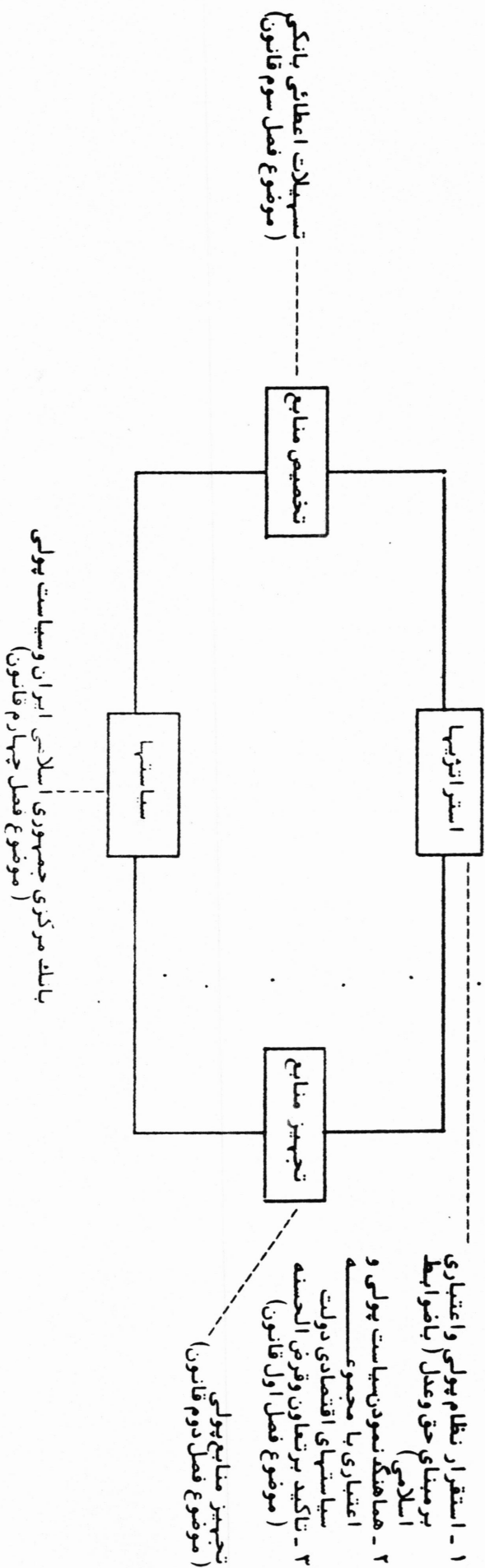
مبتنی بر رابطه وکیل - موکل ، بانک
بر اساس وکالت تام الاختیار ،
سیردههای سرمایه گذاری را که مشاعاً
تجهیز شده است ، در قالب عقیقه و
معاملات اسلامی به معارف مختلفه
معینه میرساند و سود حاصل از عملیات
را پس از کسر حق الوکاله مقرر بپسین
سیرده گذاران تقسیم مینماید .

از لحاظ حقوقی: مبتنی بر رابطه
دائن - مدیون ، مشتری مکلف بپسه
بازپرداخت اصل تسهیلات اعطائی
است .

مبتنی بر رابطه وکیل - موکل -
حقوق و تکالیف طرفین معاملات
بانکی ، در هر مورد ، در قسرا ر داد
تسهیلات اعطائی ذیربط تعیین
میشود .

نمودار شماره (ه)

باجتار کلی " قانون عملیات بانکی بدون ربا "



الیه در جریان عمل، قسمتی از این نقایص بر طرف شده است و در يك بازنگری مجدد حتماً " باید اصلاحاتی، بازنگریهایی برای تدوین يك قانون جامع و كامل بانكدارى در این زمینه انجام پذیرد .

اگر اجازه فرمائید، نمودار ساده‌ای در رابطه با " قانون عملیات بانكى بدون ربا " مطرح گردد و بعد هم فكر مى‌كنم فرصت تمام باشد .

در واقع این نمودار، ساختار كلّی " قانون عملیات بانكى بدون ربا " را ترسیم مى‌نماید .

ابعاد چهارگانه آن عبارتند از : " استراتژیها " ، " سیاستها " ، " تجهيز " و " تخصیص منابع " . خطوط اساسی استراتژیها در " استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل با ضوابط اسلامی " خلاصه می‌شود كه جای بسیار سخن دار و هدف غائی این است كه انشاء الله با اعمال سیاستهای پولی مطلوب به این استراتژیها و اهداف برسیم، برسیم به آن حق و عدلی كه مطمح نظر قانون گذار بوده است . دومین استراتژی هماهنگ نمودن سیاست پولی و اعتباری با مجموعه سیاستهای اقتصادی دولت است ، سومین استراتژی تأكید بر تعاون قرض الحسنه كه اول بار در این قانون دیده می‌شود و واقعاً " قانون را از يك غنای محتوایی سرشاری برخوردار کرده است . در نخستین سمینار بین المللی بانكدارى اسلامی كه در سال ۱۳۶۵ تهران برگزار شد اشارتی داشتیم كه این استراتژیها را مى‌توانیم تعبیر كنیم به " مغز متفكر نظام " و سیاستها را مى‌توانیم تعبیر كنیم به " قلب تپنده " نظام و تجهيز منابع و تخصیص را تعبیر كنیم به عنوان بازوهای اجرایی و مادر هدف گیریمان برای اینکه نظام بانكدارى ریوی را تبدیل كنیم به يك نظام بانكدارى اسلامی ، قلب تپنده نظام بانكى قدیم را از كار انداختیم لكن تیر خلاص را بر مغز متفكران هنوز زده‌ایم و لذا است كه هنوز افكار و اندیشه‌ها بعضاً " در حال و هوای ریوی سیر مى‌كند و قدر مسلم این است كه ما شدیداً " باید سعی خود را در تدوین برنامه " ربا زدائی " معطوف داریم و اگر تعبیر خوبی باشد این ربا زدائی می‌باید به نحو كامل ادامه یابد . چند نمودار دیگر در رابطه با مبانی نظری و عقیدتی نظام بانكدارى اسلامی داشتم كه مطالبی را پیرامون آنها مى‌خواستم به عرضتان برسانم . فكر مى‌كنم فرصت برای طرح آنها نباشد . آخرین سخن را هستم ،

به اندازه کافی خسته شده اید، من نیز بر خستگی شما افزودم • انشاء الله می بخشید • از توجه
و شکیبائی شما تشکر می کنم •

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته